کارگاه زندگی

بیشترین دانشجوی شهید از دانشگاه تهران

سهم دانشگاه‌های کشور از جمع تقریبا ۴۰۰۰ دانشجوی شهید بسیار متفاوت است. در دهه ۶۰، نظام آموزش‌عالی به‌تازگی در حال شکل گرفتن بود و دانشگاه‌های بزرگ، دانشسرای معلمی و آموزشکده‌ها، سهم مهمی در نظام آموزش‌عالی داشتند. دانشگاه آزاد اسلامی در اوایل شکل‌گیری بود و از همین رو تنوع دانشگاه‌های محل تحصیل این شهدای گرانقدر مبین همین موضوع است.

از جمع ۳۰۹۷ نفر شهدای دانشجو ۷۵ نفر در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کردند. ۷۸۰ نفر از میان این شهدای گرآن‌قدر دانشجوی دانشسراها و مراکز تربیت معلم بودند. از میان این جمع ۱۳۲ شهید بزرگوار نیز دانشجوی مراکز فنی، دانشکده‌های فنی و آموزشکده‌های فنی و ۲۶ نفر مدرسه‌های عالی بودند.

بیشترین سهم دانشجوی شهید از دانشگاه تهران با ۱۹۷ شهید گرانقدر است. البته در این آمار دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه تهران با هم در نظر گرفته شده‌اند. دانشگاه تبریز با ۱۱۶ شهید، دانشگاه اصفهان با ۱۱۴ شهید، بیشترین شهدا را به خود اختصاص داده‌اند.

خون‌نگار

سعید شهرابی فراهانی | مدیرمرکز پژوهش انجمن بین‌المللی ضدصهیونیستی

هشدار جاده صاف‌کن تروریست‌ها!

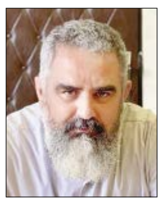

هنوز و همزمان با عملیات طوفان‌الاقصی و در نزدیکی به سالگرد ترور و شهادت حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهان مظلوم‌شان در جنایت بامداد خونین فرودگاه بغداد، نمی‌توان تمام و کمال درباره ابعاد و زوایای این حادثه جریان‌ساز صحبت کرد.

گرچه مشخصات قاتلان از طراحان، آمران و تیم عملیاتی گرفته تا تاییدکنندگان هویت سرنشینان خودروی هدف و اپراتورهای شلیک‌کننده در سیاهه‌های آلفا و دلتا محفوظ خواهد بود، ولی باید پذیرفت که حداقل یک نسل طول خواهد کشید تا وجوه پنهان این ترور ناجوانمردانه در دانشکده‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی قابل تدریس باشد. این امر هم نشانه دیگری از مظلومیت این شهداست.حاج‌قاسم همان کسی بود که به دنبال آزادی قدس شریف و دفاع از مظلومان عالم در برابر حق علیه باطل و ظلم و ستم علیه مسلمانان در غرب آسیا تا خاورمیانه، خلیج‌فارس که به اتکای تلاش‌های او، دوستان و یارانش سرمان را بالا می‌گرفتیم و با اطمینان تحلیل می‌دادیم که جنگی علیه ایران به راه نخواهد افتاد و اگر جنگی تحمیل شود، پاسخ به آن کوبنده و مخرب خواهد بود.مأموریت اصلی شهید سلیمانی به‌عنوان فرماندهی که در دوران جوانی جنگ تحمیلی را حس کرد و بعدها نیز اهمیت امنیت‌سازی را با تمام وجود خود دریافته بود تا به مسئولیت اداره نیروقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران رسید، در همین عبارت کوتاه خلاصه می‌شد: با پیش‌بینی اطلاعاتی و امنیتی، پیشگیری‌های لازم را کرد.عملکرد حاج‌قاسم نشان می‌دهد که او در مسیر ایفای وظیفه خود و عهدش با مرشد به‌رغم همه محدودیت‌ها و کمبودها، سربلند و روسفید بوده‌است. آیا کسانی که حاج قاسم را زدند، به‌دنبال راه انداختن جنگ علیه ایران بودند؟ پاسخ: شاید بله و شاید نه.«بله»، از این جهت که حاج‌قاسم و یارانش، فوق‌تخصص درهم‌شکستن توطئه‌های آمریکایی و صهیونیستی و برخی کشورهای غربی، دولت‌های دست‌نشانده در منطقه بودند و حذف او، می‌توانست مقدمه‌ای برای اقدامی باشد که تاآن موقع، ممکن نبود.«نه»، از این لحاظ که سردار سلیمانی باید تاوان و هزینه ناکامی‌های سرویس‌های اطلاعاتی سه‌قلو (عبری، غربی و عربی)، دست‌اندرکاران نظامی و رهبران سیاسی‌شان را می‌داد. شکست‌هایی که فقط یک قلم از آنها را در ۳۳ روزه رزمندگان شجاع و سرافراز حزب‌ا... لبنان با رژیم غاصب صهیونیستی و حامی آنان آمریکا جنایتکار چشیده بودند.مرحله آخر ماموریت حاج‌قاسم، با شهادتش رقم خورد: کفن خونین سرباز قاسم، ابومهدی و سایر همراهان شهید محور مقاومت گرچه داغ به دل مردم ایران، عراق، افغانستان، یمن، لبنان و فلسطین کرد، ولی میلیون‌ها نفر-حداقل در ایران-به خیابان آمدند و نشان دادند که راه انداختن جنگ علیه سرفرماندهی محور مقاومت، اولین نتیجه‌اش اتحاد سراسری علیه آتش‌افروزان تا لحظه به ذلت کشاندن آنان خواهد بود که الان نتیجه‌اش کم‌کم در عملیات طوفان‌الاقصی به‌وضوح دیده می‌شود.

شهدای بامداد خونین بغداد به قافله شهید بی‌کفن پیوستند. از آن روز پیمانی بین جوانمردان از شیعه و سنی و حتی اقلیت‌های مذهبی شکل گرفته تا خائنین و نفوذی‌هایی که به بهای خون کردن دل مردم، جاده صاف‌کن تروریست‌ها شده‌اند را از میان بردارند. هرچند که این موضوع، یک نسل هم طول بکشد.

نگاهی به زندگی چند دانشجوی شهید در آستانه روز دانشجو

نخبه‌های دانشجو، پشت سنگرهای دفاع

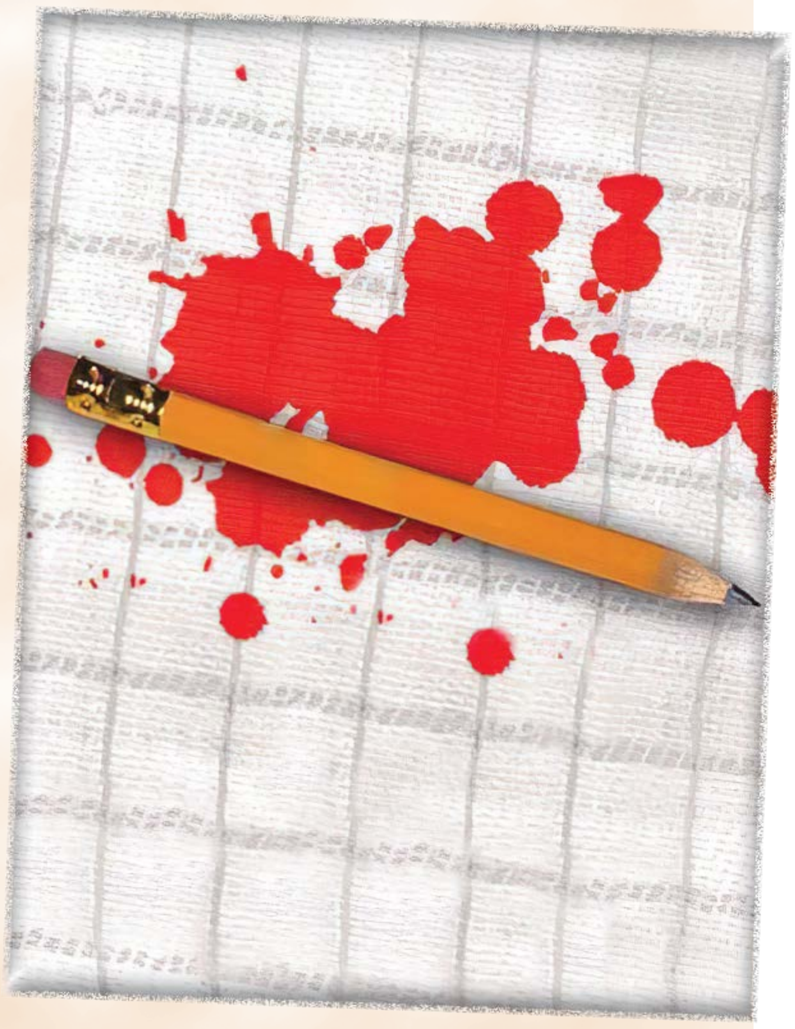

میثم رشیدی مهرآبادی
دبیر گروه پایداری

اشاره: در زمانه ای که قبولی در دانشگاه و نشستن سر کلاس دانشگاه‌های تراز اول کشور آرزوی هر جوانی بود، چند هزار جوان، دانشگاهی را که به سختی در بهترین رشته‌های آن قبول شده‌بودند، رها کردند و به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتند. بر اساس آمار، ۳۰۹۷ نفر از دانشجویان در جمع شهدای دفاع‌مقدس حضور دارند. از این تعداد، پنج دانشجو خانم هستند که در بمباران هوایی به شهادت رسیدند و یک دانشجوی خانم در حین امدادرسانی به مجروحان به فیض شهادت رسیده‌است. تعداد ۹۴ نفر با وجود سنی میان ۲۰ تا ۲۷ سال فرماندهی گردان، دسته و لشکر را برعهده داشتند. از میان شهدای دانشجوی دفاع‌مقدس که فرمانده بوده‌اند و در رشته‌های مختلف تحصیل می‌کرده‌اند، ۱۱ نفر از آنها در مقطع دکتری و عمده آنها در مقطع کارشناسی دانشجو بوده‌اند. در آستانه روز دانشجو به زندگی چند دانشجو نگاهی کردیم.

◆ ◆ ◆

۱۳۶۴ دانشجوی پزشکی دانشگاه شهیدبهشتی

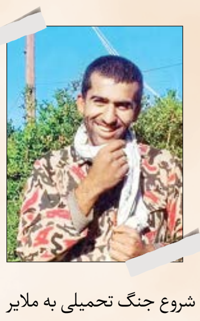

او در ۲۵ آبان سال ۱۳۴۵ در شهرستان اهواز و در خانواده‌ای مذهبی و سنتی زاده شد. پدرش درجه‌دار ارتش و مادرش خانه‌دار بود. دوره راهنمایی را با معدل‌های ۱۹ و ۲۰ گذراند. در این هنگام با شروع جنگ تحمیلی به ملایر بازگشت و تحصیلات متوسطه را در رشته علوم‌تجربی در دبیرستان دکتر شریعتی پی گرفت و سرانجام سال ۶۳ موفق به کسب دیپلم شد. سال ۶۴ در کنکور سراسری دانشگاه‌ها با استفاده از سهمیه رزمندگان رتبه نخست را در کل کشور به‌دست آورد و از این پس در رشته پزشکی دانشگاه شهیدبهشتی تهران به ادامه تحصیل پرداخت. شهید همزمان با تحصیل در سال دوم دبیرستان، به منظور حضور در میدان‌های جهاد لباس رزم بر تن کرد و نخستین بار در عملیات رمضان (سال ۶۱) شرکت کرد و مجروح شد. حضور در این عملیات را می‌بایست مبدأ تحولی شگرف و آغاز راهی نو فراروی او به شمار آورد. از این پس احمدرضا تا هنگام شهادتش پیاپی در جبهه‌های جنگ حضور می‌یافت. او سرانجام پس از شرکت فعال در عملیات کربلای ۵، در شب دوازدهم اسفند سال ۶۵ در درگیری با کمین‌های دشمن بعثی به شهادت رسید.

«محمدحسین اوحدی» رتبه ۳ کنکور سراسری دانشجوی مهندسی ساختمان دانشگاه تهران

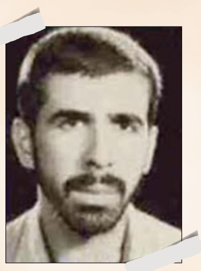

او ۱۸ بهمن ۱۳۳۷ در بروجرد به دنیا آمد بعد از اتمام دوران دبیرستان در دانشگاه تهران پذیرفته شد و در رشته راه و ساختمان دانشکده فنی مشغول تحصیل شد.

او در ایام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شد و در سالروز تولد خود در ۱۸ بهمن ۶۱ در منطقه رقابیه شهید شد.در بخشی از وصیتنامه شهید دانشجو محمد حسین اوحدی می‌خوانیم: پدر و مادر خوبم! شاید انتظار داشتید به زودی برگردم و شاهد آغاز مرحله تازه‌ای از زندگی‌ام باشید ولی آنچه تحقق یافتنی است خواست خداست که در آن رحمت و سعادت برای ما نهفته است و این ما هستیم که همواره باید خواسته‌ها و آرزوهایمان را از فراز و نشیب واقعیت‌ها عبور دهیم. برای من گریه نکنید برای شهدای بی‌کفنی گریه کنید که صهیونیست‌های غاصب خون پاکشان را در بیروت در زمین ریختند و برای خواهرانی گریه کنید که جنایت صهیونیست‌ها بر آنها بسیار دردناک است. برادران و خواهران عزیزم! اینک مسئولیت شما در برابر انقلاب بیشتر شده زیرا پیوندتان با انقلاب پیوندی خونین شده‌است و باید اراده‌های محکمتان این پیوند را هرچه بیشتر در جهت خدا عمق دهد. امروز روزی است که به قول امام (ره) حجت بر همه تمام است.

«مهران بلورچی» رتبه ۵ کنکور سراسری ۱۳۶۳ دانشجوی مهندسی الکترونیک دانشگاه تهران

او در بهار سال ۱۳۴۵ در تهران قدم به این جهان نهاد. نامش را مهران نهادند، اما به مهر مقتدایشان، علی صدایش می‌زدند. مهران در خردسالی از نعمت پدرمحروم شد، اما چه بسیار مردان الهی بودند که حتی سایه مادر را نیز بر سر نداشتند، زیرا خداوند هرآن‌که خواهد انتخاب و به راه راست هدایت می‌کند. مادرش از ابتدا او را با خدا و رسول و اهل بیت (علیهم السلام) مأنوس ساخت و این آغاز راه پاکش بود. مهران با مشاهده طغیان ملت مسلمان ایران بر طاغوت و طاغوتیان با این‌که هنوز کودکی ۱۱ ساله بیش نبود به این توفان خروشان پیوست. مهران پس از پیروزی انقلاب به جبهه جهاد در عرصه سازندگی شتافت تا این راه بی پایان را هر چه بیشتر هموار سازد. سال ۶۱ در حالی که هنوز دانش‌آموز بود عزم جبهه جهاد کرد. سال ۶۲ مدرک دیپلم خود را از دبیرستان مفید گرفت و در همان سال در رشته برق والکترونیک دانشگاه صنعتی شریف قبول شد. سرانجام او پس از پنج سال حضور در جبهه و دانشگاه با اقتدا به مولایش حسین(ع)، کربلایش شلمچه، عاشورایش کربلای ۵ شد و به آرزویش که لقای پروردگارش و دیدار سالار شهیدان بود، رسید.

«محسن حاجی بابا» رتبه ۴ پزشکی دانشگاه تهران

محسن روز ۱۶ بهمن ۱۳۳۷ در یکی از محلات تهران، در خانواده‌های مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) متولد شد. از همان کودکی، الفبای تقوا را در خانواده خدا جویش آموخت. وی در هفت سالگی قدم در راه مدرسه و تحصیل گذاشت. محسن از همان بدو ورود به مدرسه هوش و استعداد خود را با کسب نمره‌های عالی نشان می‌دهد. او دوره ابتدایی را با موفقیت به پایان می‌رساند و وارد دبیرستان می‌شود. محسن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دستور آیت‌ا... امامی کاشانی به انجام وظیفه می‌پردازد. حاجی بابا در جنگ تحمیلی نیز مردانه وارد می‌شود و به خاطر هوش سرشار و استعداد نظامی که داشت، در مسیر رشد می‌افتد و لیاقت و کفایت و توانمندی‌های نظامی خود را در عملیات گوناگون به نمایش می‌گذارد. او در لشکر ۲۷ محمد رسول‌ا...(ص) مسئولیت‌های مختلف را تقبل و با شایستگی تمام انجام وظیفه می‌کند و از عهده امور سربلند برمی‌آید. حاجی بابا در عملیات بیت‌المقدس، حماسه می‌آفریند و جوهره انقلابی خود را نشان می‌دهد. در فتح ارتفاعات «بازی دراز» کاری می‌کند کارستان و اوج ایثار، فداکاری و شهامت را به نمایش می‌گذارد. سرانجام او در ۱۳ تیر ماه ۱۳۶۱ در جبهه‌های نبرد به شهادت رسید.

«محسن وزوایی» رتبه یک کنکور سراسری ۱۳۵۵ و دانشجوی شیمی دانشگاه صنعتی شریف

او در پنجم مرداد ماه ۱۳۳۹ در محله نظام آباد تهران، به دنیا آمد. او دبستان و متوسطه را با نمرات عالی سپری کرد. دوره دبیرستان را در مدرسه دکتر هشترودی تهران گذراند و پس از گرفتن دیپلم، با کسب رتبه اول شیمی دانشگاه صنعتی شریف، مشغول به تحصیل شد. محسن از نخستین دانشجویان پیرو خط امام بود و از جمله «علمداران گمنام انقلاب دوم» شد.او سال ۱۳۵۸ هم زمان با کار تبلیغاتی در جمع دانشجویان پیرو خط امام، بلافاصله با تشکیل سپاه به پاسداران پیوست و در دوره‌ای فشرده، آموزش‌های چریکی را در سپاه آموخت. محسن، نقش فعالی در طراحی عملیات فتح بلندی‌های «بازی دراز» ایفا کرد و در همین نبرد به شدت مجروح شد و به تهران انتقال یافت. او در طول جنگ تحمیلی، در عملیات‌های متعدد با مسئولیت‌های گوناگون حضور داشت. در اسفند سال ۶۰ فرمانده گردان حبیب بن مظاهر و تیپ تازه تأسیس محمد رسول‌ا... (ص) شد. با تأسیس تیپ ۱۰ سیدالشهداء، فرمانده این تیپ شد. همین تیپ، در ۲۳ فروردین ماه ۶۱ با تیپ حضرت رسول ادغام شد و شهید وزوایی نیز فرماندهی محور اصلی را عهده‌دار شد. سرانجام در دهم اردیبهشت ۶۱ در ۲۲ سالگی هنگام هدایت نیروهای تحت امر خود، بر اثر اصابت گلوله و ترکش به شهادت رسید.

«محمود شهبازی دستجردی» رتبه ۱۷ کنکور سراسری ۱۳۵۶ و دانشجوی مهندسی صنایع دانشگاه تهران

فرمانده سپاه استان همدان و قائم مقام تیپ ۲۷ محمد رسول ا...(ص) در دوران جنگ عراق و ایران بود. شهبازی که از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت بود اوایل سال ۵۸ پس از پیام امام‌خمینی، نخستین اردوی جهاد سازندگی دانشجویان این دانشگاه را در مناطق محروم راه‌اندازی کرد. وی همچنین در مناظره‌های دانشجویی در جهت مقابله با افکار گروهک‌های کمونیستی و مجاهدین خلق فعال بود. بعد از انتصاب به فرماندهی سپاه همدان، کمیسیون ارزیابی و نظارت را برای به کارگیری نیرو تاسیس کرد. وی در آستانه فتح خرمشهر در دوم خرداد ۶۱ به شهادت رسید. شهبازی در سپاه پاسداران عضو دفتر هماهنگی امور استان‌های سپاه بود. با شروع جنگ به همراه بچه‌های گردان ۹ سپاه تهران به جبهه سرپل‌ذهاب رفت و دست‌اندرکار شناسایی شبانه روزی خطوط و مواضع عراق شد. پس از مدتی فرماندهی یکی از محورهای گیلان غرب به وی سپرده شد. وی مدتی در ایلام با محمد بروجردی، فرمانده سپاه غرب کشور همکاری داشت. محمود از سوی سپاه مدتی برای راه‌اندازی قرارگاه سپاه در جنوب کشور به سیستان و بلوچستان رفت و در تأسیس و هماهنگی سپاه جنوب شرق کشور قدم‌های مثبتی برداشت. شهبازی در اواخر سال ۵۹ برای سامان دادن به وضع سپاه همدان به آنجا رفت و به فرماندهی سپاه آن استان منصوب شد.

«احمد آتشدست» دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و فرمانده پدافند دشت فکه

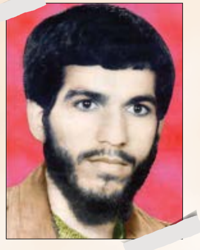

احمد آتشدست سال ۱۳۳۹ در خانواده‌ای متدین و در روستای خونیک از توابع شهرستان نهبندان به دنیا آمد و از آنجا که از استعداد سرشاری برخوردار بود همزمان با آغاز تحصیل در دبستان به آموختن قرآن مجید پرداخت. پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی وارد دبیرستان شد و در همان ابتدا افتخار آشنایی با حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید به سر می‌برد نصیب وی شد. بارها از سوی دستگاه اهریمنی ساواک مورد آزار، اذیت و شکنجه واقع شد هر بار مصمم‌تر از مرتبه قبل در صحنه مبارزه حاضر بود. پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد دانشکده پزشکی اصفهان شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه‌ها، فعالیت‌های اجتماعی خود را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج، جهاد سازندگی و امور تربیتی آموزش و پرورش آغاز کرد. همزمان با شروع جنگ تحمیلی بارها عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد. ۴۰ روز قبل از شهادت سعادت آن را یافت که در بیت مقام معظم رهبری صیغه عقد ازدواجش با یکی از دانشجویان همفکر و مرامش توسط معظم‌له جاری شود. پس از آن برای شرکت در عملیات والفجر یک عازم میدان نبرد شد و به عنوان فرمانده پدافند دشت فکه به انجام وظیفه پرداخت. او ظهر روز بیستم بهمن ۶۱ شهید شد.

حل سودوکو ۴۵۲۵

۸	۴	۷	۹	۳	۶	۱	۲	۵				۴	۵	۶	۱	۸	۳	۹	۷	۲
۲	۵	۶	۸	۱	۴	۳	۹	۷				۷	۳	۲	۹	۶	۴	۸	۵	۱
۱	۳	۹	۵	۲	۷	۴	۸	۶				۱	۹	۸	۲	۵	۷	۳	۶	۴
۴	۱	۸	۷	۵	۹	۲	۶	۳				۸	۶	۵	۴	۷	۲	۱	۹	۳
۶	۷	۵	۲	۴	۳	۸	۱	۹				۲	۴	۹	۶	۳	۱	۷	۸	۵
۹	۲	۳	۶	۸	۱	۷	۵	۴				۳	۷	۱	۵	۹	۸	۲	۴	۶
۷	۹	۴	۱	۶	۲	۵	۳	۸	۶	۱	۷	۹	۲	۴	۷	۱	۶	۵	۳	۸
۵	۶	۲	۳	۷	۸	۹	۴	۱	۳	۵	۲	۶	۸	۷	۳	۲	۵	۴	۱	۹
۳	۸	۱	۴	۹	۵	۶	۷	۲	۸	۴	۹	۵	۱	۳	۸	۴	۹	۶	۲	۷
						۳	۱	۷	۹	۶	۵	۸	۴	۲						
						۸	۹	۵	۴	۲	۳	۷	۶	۱						
						۲	۶	۴	۷	۸	۱	۳	۹	۵						
۴	۲	۳	۱	۵	۹	۷	۸	۶	۱	۳	۴	۲	۵	۹	۸	۷	۳	۱	۶	۴
۶	۷	۵	۴	۳	۸	۱	۲	۹	۵	۷	۶	۴	۳	۸	۱	۲	۶	۷	۵	۹
۹	۸	۱	۶	۲	۷	۴	۵	۳	۲	۹	۸	۱	۷	۶	۴	۹	۵	۸	۲	۳
۳	۵	۷	۸	۹	۲	۶	۱	۴				۷	۲	۳	۵	۶	۱	۴	۹	۸
۸	۴	۹	۵	۶	۱	۳	۷	۲				۹	۴	۱	۲	۸	۷	۵	۳	۶
۲	۱	۶	۳	۷	۴	۵	۹	۸				۶	۸	۵	۹	۳	۴	۲	۷	۱
۱	۶	۲	۹	۴	۵	۸	۳	۷				۳	۶	۴	۷	۵	۸	۹	۱	۲
۵	۹	۴	۷	۸	۳	۲	۶	۱				۸	۹	۷	۶	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۳	۸	۲	۱	۶	۹	۴	۵				۵	۱	۲	۳	۴	۹	۶	۸	۷

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یاستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۵۲۶

	۱						۴						۵						۳	
۸	۴						۵	۹				۴	۱						۹	۲
		۵		۹		۸								۸		۷		۴		
			۲		۹										۴		۷			
		۷				۳								۱				۵		
			۸		۱										۲		۵			
		۲		۶		۷								۴		۸		۷		
۷	۳						۹	۱				۵	۷						۶	۸
	۶						۲			۵			۹						۲	
									۹		۵									
								۲				۳								
									۸		۴									
	۳						۳			۶			۴						۱	
۸	۲						۶	۴				۹	۵						۲	۴
		۱		۶		۲								۷		۳		۸		
			۵		۹										۴		۳			
		۸				۷								۹				۷		
			۲		۴										۹		۶			
		۳		۵		۶								۶		۲		۴		
۱	۵						۹	۲				۷	۸						۶	۹
	۸						۷						۹						۵	